

جشن های آئینی غرب کشور

امیدعلی نجف زاده قبادی - نورآباد لرستان

جشن و انواع آن

«جشن: پدیده ای اجتماعی، فرهنگی در زمره آداب و مناسک دینی و سنن قومی است که از شروع تشکیل اجتماعات انسانی در هر زمان و تمدنی و به هر شکل و صورتی در زندگی مردم جایگاه ویژه ای داشته است^۱». این واژه برگرفته از یشت *yasht*، یسن *yasn*، یزد *yazd* و یزش *yazash* در آئین اوستایی به معنی جشن است که در معنی ستودن کاربرد داشته و به سبب انجام آئین های مذهبی همراه با شور و جذبه ی دینی مفهوم مراسمات شاد به خود گرفته است و بر همین اساس برخی از آنها بر پایه دینی استوارند و جزء اعتقادات ایرانیان می باشند و برخی دیگر جزء رسوم و سنن مردمان در آمده اند و چون سماع و رقص های دینی و عرفانی با انجام مراسمات دینی همراه بوده و در مراحل بعدی از هم تفکیک شده اند.

جشن ها و اعیاد در جامعه لک زبان دو دسته اند :

الف (جشن های ملی : نوروز ، چهارشنبه سوری ، سده ، مهرگان و ...
ب (جشنهای مذهبی : عید سعید فطر ، عید قربان ، عید یاران (کامریجان^۲) و ... که در زیر به شرح برخی از آنها می پردازیم .

جشن های ملی

۱) جشن نوروز

در افسانه های کردی آن را به کیومرث (کی موروس) نسبت می دهند به سبب ستیزی که وی در کوهستانهای (رواندوز) با اهریمن داشته و چون چیرگی حاصل می شود جشن « نه روزه» می گیرد و شاید کشف جمشید در بازگشت خورشید بعد از ۳۶۵ شبانه روز و اعتدال ربیعی یعنی ورود خورشید از برج حوت به برج حمل را نیز در بر داشته باشد.

آنچه هست فرود «فر وهرهای پاک آئین» به زمین می باشد که زمینیان را الزام می دارد به سبب فرودشان علاوه بر شاد اندیشی و خرم آئینی همواره در هنگام عید لباس و مسکن پاکیزه داشته باشند. در ایران باستان در تلاقی هر روزی با ماه جشنی بر پا می شد و عید نوروز نیز یکی از این تقارن ها است که روز اورمزد با ماه نخستین موجب پیدایش آن شده است.

۱ - طیبی، حشمت اله، مردم شناسی ایلات و عشایر، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۶۷، ۱۳۷۴.

۲ - کامریجان بر گرفته از نام کردی کاک ملک جان بوده و اشاره به نام حضرت جبرئیل دارد.

در کردستان و کرمانشاه بیک های نوروزی کوسه برنشینان هستند که سوار بر خر شده در یک دست کلاهی و در دست دیگر بادبزن بوده که خودش را باد می زند و بدین سان با زمستان خداحافظی کرده است و نیز مردی صورتک بر چهره نهاده و با کاغذ های رنگی کلاهی ساخته و بر سر گذاشته و لباس های رنگین به تن کرده و او را غولک گویند که در کوچه ها می گردد و مردم را می خندانند و پاداش می گیرد و بیرونی معتقد است این آیین ریشه در روزگار باستان و زمان جمشید دارد .

در آئین نوروز افزون بر نونوار شدن و رفع کدورت ها و بازدید کهتران از مهتران و هدایای مهتران به کهتران ، رفتن به سر مزار و تجدید خاطره با رفتگان در خاک است که با تناول خرما و شیرینی ، فاتحه نثار کنند و سبزی بر سر مزارشان نهند

از دیگر رسومات، هدیه بردن جوانان (لباس و جواهر) برای نامزد است که قبل از عید، پسر حداقل یک دست لباس برای نونوار کردن عروس آینده و به تناسب توان مالی طلا و جواهر، گوسفندی یا بزغاله ای به عنوان (عیدی) برای نامزدش می برد و نامزد نیز متقابلاً هدیه ای از پیش تدارک دیده به ایشان می داد. سفره رنگارنگ نوروزی که با آب و سبزی به نماد باروری و طراوت زینت داده می شود علاوه بر هفت سین که همان بازمانده هفت شین ایرانیان باستان است قرآن بر سر سفره می گذارند چنانچه ایرانیان باستان اوستا می خواندند و شمع می افروختند و تخم مرغ رنگ آمیزی شده و ماهی بر روی سفره می گذارند که نشانی از باروری است هرچند که از فرهنگ های دیگری وارد سفره های ایرانی شده است.

۲) چهارشنبه سوری:

واژه سوری (*surik*) به معنی سرخی بر گرفته از پهل *sōr* : سرخ + پسوند (*ik*) است. در کردستان به آن «کله چوارشمه» (چهارشنبه کوتاه) می گویند . چون آتش عنصر مقدس ایرانیان سرخ گون بوده و رابطه خاصی با واژه سور داشته در معنی جشن نیز به کار می رود چنانچه در واژه چهارشنبه سوری اساس این جشن را آتش تشکیل می دهد با تحولاتی که بعدها در آن ایجاد شده مبنی بر اینکه در روز نوروز که در گرداگرد آتش یشت ها و یسن هایی می خواندند و از خدای آتش (آگنی ، آثر ، آتر) طلب شاد کامی می نمودند و در موقع برگزاری آئین های مرتبط به وجود آتش دهانبندی به نام « پنام » می بستند تا نفسشان آلوده کننده آتش نباشد و زُناری به نام «گستی» نیز به نشانه تسلیم به کمر می بستند^۱ . این امر به سبب گرایش اعراب به آتش در هنگام صلا (دعوت مهمان به مهمانی) و برگزاری آتش در هنگام

پیروزیها و فتوحات مورد پسند اعراب مهاجم به ایران قرار گرفت. آنچه که مشهود است سال نو با مراسم و جشن های مخصوصی برگزار می شود که از مقدمات آن جشن چهارشنبه سوری است.

« ایرانیان جشن سوری را که سنتی قدیمی بود با آتش افروزی همگانی بر پا می کردند اما چون اساس تقسیم آنان در روزشماری بر پایه آن نبود که ماه را به چهار هفته با نامهای کنونی روزها بخش کنند ، لاجرم در شب چهارشنبه آخر سال تحقیقا^۱ چنین جشنی برگزار نمی شد . روز شماری کنونی بر اثر ورود اعراب به ایران باب شد بی گمان سالی که این جشن به شکلی گسترده بر پا بوده مصادف با چهارشنبه شده و چون در روز شماری تازیان چهارشنبه نحس و نا مبارک است بدین وسیله کوشیده اند نحوست چنین شبی را منتفی کنند^۱. با مطالعه بیشتر در این زمینه می توان گفت که این جشن همان جشن فروردگان (فروهرهای ارواح درگذشتگان) می باشد و در مناطقی از کردستان و لکستان مراسم شال اندازی وجود دارد که اهالی خانه بدان پندار که ارواحی را پذیرایی می کنند که نادیدنی است از آجیل و شیرینی و ... در گوشه شال بسته و شال اندازان در هیات فروهرها ، شال را بالا می کشند . کُردها در این شب پلو یا شیربرنج درست می کنند و اگر خانواده ای فقیر باشد همسایگان برایش تهیه می کنند .

روایات زیادی در مورد چهارشنبه سوری است از جمله: جشن چهارشنبه سوری خاطره بزرگداشت شهادت سیاوش است^۲ . و دیگر تعیین رهاشدگان از چنگ ضحاک که با برافروختن آتش بسیاریشان معلوم گردید که بعدها این آتش افروزی در شب، در آتش افروزی مختار ثقفی تجلی کرد^۳.

آداب و رسوم پلی برای اتصال بین نسلهای می باشند و برگزاری مراسمی چون چهارشنبه سوری و عید نوروز حسی را در فرد ایجاد می کند که خود را در کنار نسلهای گذشته ببیند . مردم غرب معتقدند اگر انسان از روی آتش می پرد و خود را با آن تطهیر می کند، به خاطر آنست که روز اول عید روز بیعت با خداوند - برای خردمندی و یکتایی او - است (الست بر بکم قالو بلی) ، پس نمی توان انتظار داشت انسان بدون تطهیر به پیشگاه خدای بزرگ حاضر شود به عبارت دیگر چهارشنبه سوری یک مقدمه و آمادگی برای روز عید می باشد و پریدن از روی آتش بدین معناست که انسان از روی آتش نفس خود می پرد یعنی از دنیا و هوسهای آن گذشته و به خدای یکتا نزدیک می شود . بعضی نیز این جشن را مقدمه نوروز می دانند چرا که در ایران ساسانی همه جشنها هنگام برگزاری، درآمد و مقدمه ای داشتند و آن آتش افروزی بود، چنانچه امروزه در ایران و جاهای دیگر باقی است و هر جشنی با چراغانی کردن و آتش بازی استقبال می شود.

بعضی از آداب چهارشنبه سوری عبارتند از :

۲ - رضی، هاشم . گاه شماری و جشن های ایران باستان. تهران: بهجت، ص ۲۳۲ ، ۱۳۸۰ .

۱ - رضی، هاشم . جشن های آتش . تهران . بهجت . ص ۹۶ ، ۱۳۸۲ .

۳ - جاحظ، ابو عثمان . نوروز باستانی (جشن ها و آیین ها) ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده . تهران. مدبر. ص ۹۸ ، ۱۳۸۴

۱- با پریدن از روی آتش و گفتن سرود « زردی من از تو ، سرخی تو از من » بیماریها ، غمها و کدورت های سال را به آتش می سپارند و روح و روانشان را برای عید تطهیر می دهند .

۲- اسپند دود کردن ، خوردن تنقلات ، بازی کردن و ...

۳- نوشتن دعای مخصوص چهارشنبه سوری قبل از فرا رسیدن آن .

۴- رسم کوزه شکستن که سکه در آن نهاده و پر از آب کرده و می شکستند مبتنی بر رفع کدورت های دیرینه و نو آیین شدن و خجستگی و ریزش آب، برکت مال می باشد.

در گذشته مردم کردستان علاوه بر بریایی آیین چهارشنبه سوری در آن روز زنان به « دباغ خانه » رفته و بدن را با آب آن تطهیر می نمودند تا هم از چشم زخم در امان باشند و هم عزیز گردند و آن آب را در چهارگوشه خانه می ریختند تا به حرمت طهارت آب، نحوست رخت بریندد و همچنین فالگیری از زبان رهگذران به نیت خواستنی مرسوم است که ریشه ای دیرینه در فرهنگ ما دارد .

۳ (جشن ششم فروردین (پنجه)

« ششم فروردین روز تولد و بر گزیده شدن آشو زرتشت اسپتیمان پیامبر بزرگ ایرانیان باستان بوده و از اهمیت و شکوه فراوان برخوردار است . هم اکنون نیز زرتشتیان این روز را با همان عظمت و شکوه سابق جشن می گیرند »^۱ . در قدیم ایرانیان دو نوروز داشته اند نوروز کوچک که در آن خداوند عالم را آفرید و نوروز بزرگ که در روز ششم فروردین است که در آن روز خداوند از آفرینش جهان آسوده شد زیرا این روز آخر روزهای شش گانه است^۲

در بین مردمان غرب ایران روز ششم فروردین که معادل با روز اول از ماه پنجه می باشد و به مناسبت اینکه پنج شووه پنجه که در اصطلاح دورد (*dwerd*) یعنی نحس می باشند تمام شده و اینکه تولد حضرت زرتشت بوده و نیز نشان از نوروز بزرگ در ایام کهن دارد یک روز بسیار مبارک دانسته و آن را جشن می گیرند. لازم به ذکر است بر گزاری این جشن مثل سابق عمومی نبوده و کم رنگ می باشد اما در گذشته و بخصوص در جوامع عشایری با شکوه تر بوده است

۴ (جشن مهرگان (اول وهار)

مهر (میترا) در اوستا از زمره بزرگترین ایزدان بوده که مورد ستایش آریائیهای هند و ایرانی پیش از زرتشت بوده « در گاهشماری ایران باستان جشن مهرگان قرینه نوروز است و اهمیتی همپای آن دارد »^۳ زمان این جشن، روز مهر (شانزدهم هر ماه) ایزد از مهرماه است. در آن روز ایرانیان به رهبری کاوه آهنگر

۳ - رضایی ، عبدالعظیم . تاریخ ده هزار ساله ایران ، انتشارات اقبال. ص ۹۸ ، ۱۳۸۱ .

۴ - جاحظ، ابو عثمان. نوروز باستانی (جشن ها و آیین ها) ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده . تهران. مدبر. ص ۳۰ ، ۱۳۸۴ .

۱ - آموزگار ، ژاله . تاریخ اساطیری ایران . انتشارات سمت . تهران . ص ۱۹ ، ۱۳۷۴ .

۲ - ضحاک (آزی دهاک) را تازی گفته اند زیرا از نژاد عرب بوده است .

بر ضحاک تازی^۴ ستمگر شوریده، او را در بند کرده و فریدون پسر آبتین از خاندان جمشید را بر تخت نشاندند و این روز را که مصادف با ایزد مهر بود جشن گرفتند. زمانی آغاز سال از پاییز و مهرماه شروع و مهرگان جشن سال نو بود. زمانی نیز نوروز در اکثر ایام و سالیان جشن سال نو، بویژه از آغاز دوران ساسانیان تا حال بوده و می باشد. در دوران هخامنشیان مهرگان بزرگترین جشن ها محسوب می شد با حساب کردن روزهای کیبسه به سال، تاریخ این جشن به شانزده مهر انتقال یافت اما در تقویم اوستایی که مورد استفاده زرتشتیان و قوم لک می باشد این جشن برابر بیست و دوم از مهر ماه (باد روز) می باشد. در منطقه غرب در قدیم که شرایط آب و هوایی با امروزه متفاوت و معمولاً این مواقع زمانی از مهر ماه باران نیز باریدن می گرفت. به دو دلیل آنرا جشن می گرفتند و آنرا جشن اول وهار می گفتند . ۱- بارش باران، رویدن گیاهان، سبزه ها و معتدل شدن هوا ۲- پیروزی ایرانیان قدیم بر ضحاک ظالم یعنی پیروزی حق بر باطل. ایرانیان در این جشن آتش می افروزند و قربانی می کنند و هدایایی (به ویژه نامزدها) به هم می دهند همچنانکه در اعتدال ربیعی چنین کنند.

۵) جشن سده (شوق پادشاه)

سنت دیرینه ات آوازه کن شیوه بهمنجنه را تازه کن

عزت جشن سده را ساز ده حرمت از کف شده را باز ده (غلامی)

« به موجب شاهنامه ، آتش در زمان شاهی هوشنگ بر اثر یک واقعه و اصابت سنگی بر سنگ دیگر پدید آمد . هوشنگ ماری سیاه و بد شکل می بیند سنگی به سوی او می افکند ، جرقه ای در گرفته و آتش افروخته می گردد و مار می گریزد . در این تقارن تعبیری لطیف و پر معنی به نظر می رسد که روشنی و آتش والاترین مظهر وجود هستی ، و عین دانش و خرد و کمال است و مار سیاه، نشان ظلمت اهریمنی و جهل و عین بدی و شرّ می باشد. چون آتش افروخته می شود، نشانه ی اهریمنی می گریزد^۱ « نویری در کتاب نهایه الارب این جشن را یادگاری از پیروزی زو پسر تهماسب بر افراسیاب می داند که روز دهم بهمن روی داد پس ایرانیان با شادمانی آنرا جشن گرفتند و آن سومین عید بزرگ آنان قرار گرفت .

در محاسبات قدیم ، جشن سده در دهم بهمن ماه که آبان روز (آبان روز یعنی دهم ماه) نام داشت برگزار می شده که پنجاه و پنج روز پیش از نوروز قرار داشت ، در این روز هوشنگ پادشاه ایران باستان آتش را بدست آورده بود و وجه تسمیه آن به جشن سده آن است که با روز سدم از چهره (نیمه) دوم سال انطباق داشت. نظر به این که در گذشته ماه ها عموماً سی روز بود جشن سده در دهم بهمن واقع می شد ولی با تغییراتی که در کیبسه بوجود آمده و روزهای کیبسه آخر سال حذف و شش روز به شش ماه اول سال افزوده شد این جشن در چهارم بهمن ماه قرار دارد.

۳- رضی، هاشم . جشن های آتش . تهران . بهجت . ص ۹۴ ، ۱۳۸۳

« در کردستان (بخش رواندوز) شب سده با آتش افروزی برگزار می شود و از آن شب به بعد ، در هر هفته تا شب چهارشنبه سوری ، هر شب چهارشنبه را با جشن آتش برگزار می کنند^۱».

۶) جشن سیزده بدر

سیزده را همه مردم به در از شهر امروز من همان سیزدهم کز همه عالم به درم (شهریار)
در باره جشن سیزده بدر و فلسفه آن نظریات زیادی وجود دارد . بهرام فره وشی نوشته است :
« در اساطیر ایران عمر جهان دوازده هزار سال است و عدد دوازده از بروج دوازده گانه گرفته شده و پس از این دوازده هزار سال دوره جهان بسته می شود و انسان هایی که در جهان هستی وظیفه آنها جنگ در برابر اهریمن است، پس از این دوازده هزار سال، بر اهریمن پیروزی نهایی می یابند و با ظهور سوشیانت^۲ ، آخرین نیروی اهریمن از میان می رود و جنگ اورمزد برضد اهریمن با پیروزی پایان می یابد^۳».

عده ای دیگر از محققان اساساً^۴ به نحسی سیزده عقیده ندارند و می گویند که چنین چیزی در ایران باستان وجود نداشته و روز سیزده مانند همه روزهای دیگر مبارک بوده و نام سیزدهم هر ماه « تیر» نام داشته و در ۱۳ تیر ماه که نام ماه و روز برابر می شده، جشن تیرگان بر پا می شده است که جشنی بزرگ مانند مهرگان بوده است. دنباله این جشن هنوز در پاره ای از مناطق ایران از جمله مازندران وجود دارد و به « تیر سیزده شو» (شب سیزدهم تیر ماه) شهرت دارد^۴.

سیزدهم فروردین که بر اساس نام گذاری روزها در ایران قدیم به روز « تیر» موسوم بود به ایزد باران « تیشتر» تعلق داشت. درآیین مزدیسنا و در باور مردم پیش از زرتشت، این ایزد همواره با دیو خشکسالی در مبارزه است اگر پیروز شود باران می بارد و چشمه ها می جوشند و گرنه خشکسالی حاکم خواهد شد.

در باورهای مردم ایران باستان کیومرث آغاز آفرینش است طبق آن چه ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه گفته است : « مشیه و مشیانه که پسر و دختر دوقلوی کیومرث بودند روز سیزدهم فروردین به وسیله گره زدن دو شاخه با هم ازدواج کردند و امروز هم دختران و پسران دم بخت برای همین منظور نیت می کنند و سبزه گره می زنند». دکتر فریدون جنیدی معتقد است سبزه ای که برای خوان نوروزی سبز می کردند و تا روز سیزدهم خرم می ماند را در این روز که تیشتر نام دارد برای سپاس از تیشتر ایزد که آب را به جهانیان نثار می کند به آبهای روان نثار می کردند.

۱ - نفیسی، سعید . مقاله چهارشنبه سوری . مجله مهر . سال اول شماره ۱۱ . به نقل از جشن سده نشریه انجمن ایران شناسی .

۲ - سوشیانت : سود رسان ، نقش امام زمان (عج) را در دین زرتشت دارند.

۳ - خبرگزاری مهر . سیزده بدر . روز زندگی در پردیس ۱۳/۱/۱۳۸۳ .

۴ - سیزده بدر به نقل از بی بی سی www.iranian.at ۱۳۸۴

یکی دیگر از باورهای ایرانیان در روز سیزده بدر آن است که گویند جمشید پیشدادی در این روز خیمه به صحرا می زند و به تفرج می پردازد و سالیان بعد به شکل آئینی در می آید و همگان به تقلید از پادشاه در آن روز خوش همواره به سیر کوه و صحرا و گلگشت و دریا می پردازند.

جشن سیزده بدر در سنندج مانند دیگر مناطق غرب است با این تفاوت که پس از تفرج کافی و ضمن برگشت به خانه سیزده ریگ در مشتشان گذاشته و در حین حرکت یکی یکی آنها را از پشت سر پرت کرده و به عقب نگاه نمی کنند و ضمن پرتاب کردن آنها می گویند: آنچه درد و بلای من است با این سنگ ریزه ها برود و نباید به عقب نگاه کند چرا که درد و بلای خارج شده به بدن او باز می گردد. امروزه مراسم سبزه گره زدن نیز به تقلید از دیگر مناطق در بعضی مناطق کردستان مرسوم شده که در ایام قدیم وجود نداشته است

۷) جشن چله (یلدا)

روی خورشید وشت از پس آن پرده ی زلف آفتابی است نمایان ز شبی یلدایی
یلدا واژه ای سریانی به معنی میلاد است که به فارسی راه یافته و با میلاد مسیح مطابقت دارد و معادل شب چله (طولانی ترین شب سال) می باشد، در فارسی آنرا نماد تیرگی، بلندی و درازی دانسته اند. در مورد پیشینه ی جشن چله نظریات مختلفی دارند. «در شبهای زمستان، مردم دور آتش گرد می آمدند تا روشنایی را فزون سازند و چون درازترین شب سال یعنی آخرین شب از ماه آذر فرا می رسید به انگیزه ی این که فردای آن شب، روشنایی بیشتر خواهد بود و روزها درازتر خواهد بود شادی می کردند».

مهر کهن ترین باور آریایی است چرا که از تاریکی هراسان بودند و دیوها و ددها از تاریکی سر بر می آوردند و در اندیشه گرفتن جان و مال آریایی ها بودند، در این شبهای تاریک مردم چشم به افق داشتند تا نخستین فروغ روشنایی سر بر آورد و تاریکی و دیو و دد ناپدید شوند. «اول دی به نام خداوند است و آن را خورروز یا خرم روز یعنی روز خورشید می گفتند و جشن می گرفتند» و چون در باورهای باستان، یلدا شب زایش و تجدید حیات مهر بود به پاس گرامیداشت ایزد مهر و فروغ روشنایی و خورشید و ستیز با بدشگونی و شومی، آتش می افروختند و گرد هم می آمدند و جشن می گرفتند.

مردم در این شب گرد هم می آیند و با برافروختن آتش با تاریکی می ستیزند و با تناول تنقلات و میوه ها به ویژه هندوانه که سرما زداینده است خوش گذرانده و چون دیگر جشنها شال اندازی می کنند و همراه آن ابیاتی که نشان بر تولد نور و طراوت است می خوانند چنانچه در لکستان گویند:

ایمشو اول قهاره	بعد زمسو وهساره
ایمشو اول وهساره	خبر د هونت بواره

۱ - نیکنام، کورش. از نوروز تا نوروز (فروهر). تهران ص ۹ - ۸۸، (۱۳۷۹)

۲- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. چاپ مجلس ص ۵۵۸

« این کار (شال اندازی) ریشه در ایران باستان دارد چرا که در گذشته برای فر وهران خوراکی بر بام خانه ها می هشتند^۱». بعضی شب چله را به حضرت آدم نسبت می دهند و شب چله را با میوه های بهشتی جشن گرفته است^۲. در سنندج آمروود و انگور و سیب تهیه نموده و چند ماه قبل از چله خربزه را در حُم ترشی انداخته و در شب چله استفاده می کنند نیز شب چله دُلمه کلم پیچیده و در دیگر می جوشانند که عمده و اصل مراسم شب چله خربزه ترش و دُلمه کلم می باشد و این رسم در دیگر مناطق ایران وجود ندارد. بعضی علت خربزه ترش را کشنده میکروب دیوانگی و ضد مرض آسم و خفگی می دانند. بدین ترتیب در سنندج خربزه ترش مقام اول میوه های شب چله را دارد اما در دیگر مناطق هندوانه مقام اول را در بین میوه ها دارد.

جشن های مذهبی

مانند دیگر اقوام ساکن در ایران مردم غرب ایران نیز جشن های مذهبی عید سعید فطر، عید قربان و ... را بر پا می دارند. از آن جا که برپایی مراسمات و عناصر تشکیل دهنده این اعیاد در میان کلیه اقوام ایرانی مشترک می باشد و در بسیاری از کتاب های مردم شناختی آورده شده است از ذکر مفصل آنها آن ها صرف نظر می کنیم و در این جا به شرح مختصری از اعیاد مهم مذهبی رایج در بین مردم غرب بسنده می کنیم.

۱) یشت درون (جشن روزی) = جشن اردیبهشت

در گاهشماری ایرانی روزها و ماهها گرامی بوده و جشنهای ویژه ای داشتند مانند آذر جشن ، آبان جشن و ... پس روز سوم اردیبهشت که اسم ماه و روز برابر بود جشنی بر پا می شد و آتشی فراهم می نمودند و شادیا می کردند که امروزه در مناطق غربی میتوان باز مانده آن را جشن روزی یا یشت درون نامید که به قرار زیر است: سه روز اول ماه اردیبهشت (مُویون) دامداران شیر تمام دامها را هر روز جمع کرده و با تبدیل کردن به ماست و مشک زدن آن، تمامی کره- بجز دوغ که حق الزحمه مشک زن می باشد- را برای نذر جمع کرده و در روز سوم زنان به صورت گروهی گرده (نوعی نان محلی) درست می کنند و با ریز کردن آن و سپس ریختن و مخلوط کردن در روغن حیوانی، غذایی به نام چِگال (*čenjāl*) یا سه بره درست می کنند که سیدی آن را دعا خوانده ، سپس همه مردم از آن می خورند. این نذری برای حفاظت تمامی احشام و دامهای مردم بوده و هر ساله این عمل را انجام می دهند .

۱- رضی، هاشم. ترجمه و تفسیر وندیداد(فکر روز). تهران ص ۲۳۸ ، ۱۳۷۶ .

۲- ایازی، برهان. آئینه سنندج. ناشر: مؤلف . ص ۱۹۸ ، ۱۳۷۱ .

این سنت دیرینه ریشه در آیین زرتشتی دارد چنانچه ذکر شده است: « کلمه درون (*drōn*) به « سهمی » گفته می شود که در طی مراسم دینی به خدایان تقدیم می شود (یسن ۳۳، بند ۸ و ۱۱، بند ۴). در یسن ۱۱ کلمه به معنی قسمتی از حیوان قربانی است که برای ایزد هوم جدا گذاشته می شود. اما در آثار پهلوی و استعمال امروزی « درون » قرصه نان نازکی^۱ است که از خمیر بر نیامده گندم درست می کنند. در مراسم یسنه (*yasna*) همراه با این نان، کره که نماینده جهان حیوانی است و اصطلاحاً آن را گوشوداگ (*gōšodāg*) می نامند، دعا خوانده می شود و از هر دوی اینها، زوت (موید اجرا کننده مراسم) در ضمن های هشتم یسنه می خورد. مراسم درون از های سوم تا های هشتم یسنه ادامه می یابد و اصطلاحاً آن را « درون یستن » می گویند. « یشت درون » برای « عبادت » یا « شکر گزاری » از خدایان است و می توان آن را به هر یک از ایزدان تقدیم داشت. « یشت درون » هم چنین به عنوان « باج نان خوردن » (دعای غذا) به کار می رود و در این مورد به اورمزد خدا تقدیم می شود. در مورد اول « باج نان » (دعای غذا) که مخصوص شروع است، خوانده می شود و بعد غذا در سکوت خورده می شود و بعد از شستن دهان و دست « باج پایان غذا » را می خوانند^۲.

۲) جشن بهمن گان

روز دوم هر ماه به نام نخستین امشاسپند (وهومنه = وهمن = بهمن) است و به معنی نیک منشی می باشد. در روز دوم بهمن که تلاقی روز و ماه بهمن است جشنی به نام بهمنگان بر پا می شد که در آن پختن آش بهمنگان موسوم به دیگ بهمنجنه بسیار رایج بوده است. در این آش از هر نوع حبوب و سبزی و گوشت که موجود فصل بود ریخته و می پختند. در هر خوراکی از گیاه بهمن سرخ و بهمن سفید استفاده می کردند که خواصی دارویی داشتند. امروزه این جشن بسیار کمرنگ شده و این غذا به ویژه در لکستان اسم آش دایاله *dāyāla* معروف است.

۳) عید رمضان (عید فطر)

در کردستان نسبت به مناطق همجوار عیدهای رمضان و قربان اهمیتی همپای عید نوروز و شاید بیشتر از آن را هم ممکن است داشته باشد در صورتی که در مناطق لک و لر نشین مهم ترین عید همان عید نوروز است و مابقی اعیاد بنا به ارزش و جایگاه ملی و مذهبی در طول آن قرار دارند. مثلاً در کردستان با رسیدن اولین عید (قربان، فطر) خانواده های عزادار لباس سیاه از تن بیرون می آورند و مراسمات شاد را بر پا می دارند، اما در لکستان مبنا همان عید نوروز است که با رسیدن آن، مردم عزادار لباس سیاه را بیرون می آورند.

۱ - قرصه نان نازک در زبان لکی شکلته *selkēna* نام دارد

۲ - تقضلی، احمد. مینوی خرد. تهران: توس. ص ۹۴ - ۹۳. ۱۳۷۹

در لرستان و لکستان اعیاد قربان و فطر کم رنگ تر برگزار می شود اما در سنندج سه روز بازار تعطیل شده و مردم به دید و بازدید و عید مبارکی می پردازند. اصولاً تدارک این عید از بیستم شروع شده و با دادن پارچه به خیاطی و خریدن لباس و کفش نو و خرید شیرینی و تشریفات پلو و خورشت و ... به دید و بازدید می پردازند. در شب عید از طرف پسر توسط یک یا چند خانم هدیه هایی برای نامزد(عروس آینده) برده می شد که شامل لباس و جواهر و میوه و شیرینی و ... می باشد و همراه با آن سینی های گندم سبز شده و ماهی و تخم مرغ به این خانچه ها اضافه می شد و در روز عید نیز داماد برای عید مبارکی به خانه پدر زن می رود.

عید قربان (اضحی)

برگزاری عید قربان نیز شبیه به عید رمضان می باشد و در مناطق مختلف شبیه هم می باشد و برای آن مساجد، میادین و گذرگاه ها توسط مردم چراغانی شده، با بازگشت حاجی، گوسفندی در پیش پای ایشان - قبل از ورود به خانه- قربانی می کنند و گوشت آن را به فقرا می دهند سپس بعد از سه روز و در مواردی تا یک هفته با پخت انواع غذاها از جمله: جلوگوشت و خورشت های مختلف از مردم و کسانی که برای روبروسی و زیارت قبولی می آمدند پذیرایی می کنند. در بعضی منازل قربانی شده و بین مستمندان توزیع می شود. در کردستان بر خلاف دیگر مناطق که یک روز بازار تعطیل می شود، برای این عید سه روز بازار تعطیل می شود و مردم با پوشیدن لباس نو به عید مبارکی می روند. در این استان گوسفند باید دو یا سه ماه قربان را دیده باشد ضمناً به چشم گوسفند سرمه می کشند و پارچه یا دستمالی قرمز رنگ از جنس حریر به گردن گوسفند می بندند و مقداری نبات به دهان گوسفند می ریزند تا زمانی که دعای قربانی خوانده می شود کام گوسفند شیرین باشد چنانچه در لکستان به این شیوه عمل می شود.

۴) عید مولود حضرت محمد(ص)

« اعتقاد اهل سنت بر این است که محمد(ص) در روز دوازدهم ربیع الاول قدم به عرصه وجود نهاده است و اهل تشیع معتقدند که هفتم ربیع الاول است. اهل سنت برای این جشن احترام زیادی قائل بوده و هستند و در شب دوازدهم بساط سفره رنگین و پلو و خورشت برقرار، مساجد بوسیله اهل محل چراغانی شده و نقل و خرما و فراوان خریداری شده، یک کوزه گلی را از آب پر کرده و سر آن را با پارچه تمیزی بسته در میان مجمعه در صحن مسجد می گذارند و بعد از صرف شام، مردم گرد آمده در مسجد به خواندن مولود نامه و دف زدن گوش می کنند - مولودی خوان بر روی صندلی نشسته و سه یا چهار نفر دف زن و محاذی دست راست او نشسته و دف زن ها پس از خواندن یک شعر از طرف مولود نامه خوان، مطلع قصیده تنزیله را با آواز و خواندن شعر مطلع و نواختن دف پاسخ می دهند- پس از مولودی خوانی نقل و خرما در میان مردم پخش می کردند و با توجه به اعتقاد صادقانه مریض و اخلاص عیادت کننده با هدیه یک دانه از این نقل و خرما و مولودی مریض شفا می یافت. در سنندج این جشن

در شب برگزار می شد اما امروزه در روز انجام می گیرد، در این روز بازار تعطیل می باشد^۱. هر چند که در تشیع همین جشن به همان گونه که ذکر آن رفت در ۱۷ ربیع الاول برگزار می گردد.

۵) عید شب معراج و برات

در فقه شافعی ۲۷ رجب را شب معراج می دانند و در فقه تشیع ۲۷ رجب را شب بعثت می دانند و همچنین ۱۵ شعبان را در مذهب تسنن شب برات (قدر) گویند در روایاتی دیگر از تسنن بیست و هفتم رمضان نیز احتمال شب قدر دارد و در فقه تشیع ۱۵ شعبان را تولد حضرت قائم می دانند. در تشیع روزهای نوزده، بیست و یک، بیست و سوم و طبق روایات ضعیف بیست و هفت رمضان شب قدر است. صرف نظر از این اختلاف عقیده ها، شیعه و سنی این روزها را جشن می گیرند. در کردستان از جمله سنج مراسم از بعد از ظهر شروع و تا عشاء شب معراج ادامه داشت و مردم پس از صرف شام به مساجد رفته و در آن جا معراج نامه را همراه با نوای دف می خوانند و سپس از مردم پذیرایی به عمل می آید و تا نیمه های شب ادامه دارد. در دیگر مناطق نیز مراسم به این گونه برگزار می شود اما در قدیم اگر شب معراج به تابستان می افتاد در سنج مردم عازم دشت آیدر می شدند و مراسم را در آنجا برگزار می کردند. علاوه بر مراسم فوق، چراغانی کردن مسجد جره خاتون، درست کردن گلوله های پنبه و آغشته کردن آنها به نفت - که بر لب بام مسجد به شکل طناب آویزان می کردند و به آن (تویز) می گفتند - که با فرا رسیدن شب آتش گرفتن تویزها منظره ای زیبا ایجاد می کردند.

۷) عید ولادت ائمه:

با عنایت به ارادت مردم ایران بویژه شیعیان به ائمه اطهار در روز میلاد آنها مردم ایران به جشن و چراغانی کردن میادین و منازل پرداخته و این ایام را جشن می گیرند، از بین ایام میلاد ائمه برگزاری جشن میلاد حضرت علی (ع) حضرت امام حسین (ع) حضرت امام رضا و حضرت قائم از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در استانهای غرب مرکزی مانند لرستان و همدان و ایلام و کرمانشاه با شکوه هر چه تمامتر برگزار می شود. آحاد اهل حق مناطق غرب کشور ایام تولد حضرت علی (ع) و حضرت صاحب الزمان (ع) را با انعقاد جمع و تنبور نوازی و قربانی کردن بر پا می دارند.

۸) جشن یاران (کامریجان *kāmerijān*):

این جشن ویژه مردمان اهل حق مذهب تشیع است و در میان بسیاری از طوایف شهرستان های دلفان، کوهدشت، کنگاور، صحنه، هرسین، کرمانشاه، اسلام آباد غرب، قصر شیرین، کرندغرب، آذربایجان و در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه برگزار می شود.

چنانچه مرسوم است ابتدای مراسم کامریجان برابر ۱۵ ماه قمری است که ابتدای آن ماه قمری در داخل چله بزرگ می باشد ، در غیر اینصورت باید آن ماه قمری تمام شود و ماه بعدی شروع گردد که پانزدهم آن ماه آغاز جشن می باشد. حال اگر در بعضی از مواقع چرخش ماه قمری طوری باشد که مراسم کامریجان خارج از چله بزرگ قرار بگیرد در آن صورت سید مسند نشین اهل حق که رهبر آنها می باشد با استفاده از اختیارات خود تاریخ مراسم را که باید در درون چله بزرگ باشد برای مردم ابلاغ می کند.

ظهور این جشن به شکل کنونی به صدر اسلام و خلفای بنی امیه می رسد که - با بودن حضرت امام حسن (ع) در مسجد، کفار به حضرت علی (ع) اهانت می کردند - گروهی از مردم که به یارسان^۱ معروف شدند طاقت اهانت به حضرت علی را نداشتند و نیز تاب مقاومت در برابر دشمن را در خود نمی دیدند پس، از مسجد کناره گرفته و در مکانی به نام جمع خانه گرد آمدند و برای ورود به آن جا شرایطی تعیین کرده اند که عبارتند از:

- ۱- هر کس که وارد جمع خانه می شود باید طاهر و پاک باشد.
 - ۲- مرد باشد (زن، دختر و حتی پسر نابالغ حق ورود به جمع ندارد) .
 - ۳- کمر بسته باشد.^۲
 - ۴- سر پوشیده باشد (کلاه بر سر داشته باشد) .
 - ۵- نشستن حلقه وار در جمع خانه، چون : حضرت رسول بعد از نماز، یاران واقعی خود را به صورت حلقه وار جمع کرده و برایشان صحبت و ارشاد می نمود و اسم آن را حلقه توحیدی گذاشته بود.
- گمان می رود هفت شب این مراسم در واقع برگرفته از هفت مرتبه آئین مهرپرستی یا هفت امشاسپندان آئین زرتشتی باشد .
- شب اول به نام شب نیت است که افراد اهل حق با غسل و وضو نیت اجرای مراسم را می گیرند.

شب دوم به نام شیر قوطی (*šēr ywetī*) می باشد. شیر مظهر قدرت و نماد مقام حضرت اسرافیل است ، چون در آخر زمان دو بار توسط اسرافیل در سور دمیده می شود مردم برابر کردار خود در محضر باری تعالی به اشکال گوناگون منجمله حیوانات بدل می گردند و قیامت بر پا می شود، اهل حق این شب را به عشق حضرت اسرافیل جشن گرفته و آرزو می کنند که در قیامت در مقابل اعمال خود پاک، با افتخار و سر بلند باشند نه شرمند و خجل .

۲ - یارسان را پیروان حضرت علی (ع) گویند که حامی و محافظ آن حضرت بوده اند.

۱ - کمر بسته بودن به تقلید از پیامبرانی که در راه خدا کمر همت بسته بودند و بدان معناست که انسان باید همیشه در راه خدا و خدمت به خلق خدا کمر همت ببندد.

شب سوم شب کامریجان (کاکه ملک جان) مقام حضرت جبرئیل است. ایشان که حامل وحی از سوی خدا برای پیامبران است از طرف پیامبر(ص) بنام اخی و برادر صدا می شد و کاک ملک جان نام کردی جبرئیل بوده که در زبان لکی به کامریجان تغییر یافته است.

شب چهارم : این شب به نام حضرت علی(ع) و به اسم مستعار شب شاه (پادشاه عالم) بر گزار می شود که در این شب می بایستی قربانی به جای آورده شود و در صورت تمکن مالی گوسفند و در غیر این صورت خروس قربانی شود و همراه آن جوز، انار و کشمش و ... به عنوان شکرانه نذر گردد که جوز ریشه در هند باستان و انار جزو شکرانه های خون دار بوده و ریشه در اجرای مراسم برسم در ایران باستان دارد.

شب پنجم : به نام شب پیرموسی (*pīrmūsī*) مخصوص حضرت محمد (ص) است در این شب لازم نیست قربانی (گوسفند یا خروس) به جای آورده شود بلکه فقط پختن برنج با روغن حیوانی و به جای آوردن شکرانه (انار، نبات، قند، سیب و ...) کافی است و شب زنده داری در این شب نیز همچون شب کامریجان و شب پادشاه مرسوم است.

شب ششم به نام امام حسن مجتبی (ع) و شب حضرت مصطفی(ذات حضرت عزرائیل) نامگذاری شده که برای بزرگداشت کرامت و عظمت حضرت امام حسن (ع) منعقد می گردد.

شب هفتم : شب هفتم به نام فاطمه ی رزبار (فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی ع) می باشد که حامل راز (سر ، هو) می باشد در این شب نانی به نام گرده متشکل از آرد و روغن حیوانی و شکر و نمک و زردچوبه و رازیانه درست می کنند و پس از دعای آن بوسیله یکی از سادات، از آن می خورند و می بخشد و معتقدند حرز وجود آدمی است

تعداد افراد جمع نباید کمتر از هفت مرد باشد و اگر کمتر باشند باید به اندازه کمبود نفرات «کمربند، کلاه و یا تنبور» در جمع گذاشته شود که این رسم ناشی از اهمیت مردان در آیین های کهن می باشد.

شادمان و جاودان باشید

منابع و ماخذ

- ۱ - آموزگار ، ژاله . تاریخ اساطیری ایران . انتشارات سمت . تهران . ۱۳۷۴ .
- ۲ - رضایی ، عبدالعظیم . تاریخ ده هزار ساله ایران . انتشارات اقبال . ۱۳۸۱ .
- ۳ - جاحظ، ابو عثمان . نوروز باستانی (جشن ها و آیین ها) ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده . تهران . مدبر . ۱۳۸۴
- ۴ - خبرگزاری مهر . سیزده بدر . روز زندگی در پردیس ۱۳/۱/۱۳۸۳ .
- ۵ - روزنامه هموطن سلام . سیزده بدر نماد بهشت برای ایرانیان باستان . دوشنبه ۲۴/۱۲/۱۳۸۳ www.hamvatansalam.com/news25512
- ۶ - سیزده بدر به نقل از بی بی سی www.trani.at . ۱۳۸۴ .
- ۷ - شاهنامه فردوسی
- ۸ - تحقیق میدانی به روشهای مختلف از جمله مشاهده مشارکتی ، مستقیم و گلوله برفی و....
- ۹ - تفضلی ، احمد . مینوی خرد . تهران : توس . ۱۳۷۹ .
- ۱۰ - رضی ، هاشم . گاه شماری و جشن های ایران باستان . تهران : بهجت . ۱۳۸۰
- ۱۱ - دهخدا، علی اکبر . لغت نامه . چاپ مجلس
- ۱۲ - افتخارزاده ، محمود رضا . ایران : آیین و فرهنگ . تهران : رسالت قلم . ۱۳۷۷
- ۱۳ - نفیسی، سعید . مقاله چهارشنبه سوری . مجله مهر . سال اول شماره ۱۱ . به نقل از جشن سده نشریه انجمن ایران شناسی .
- ۱۴ - رضی ، هاشم . جشن های آتش . تهران . بهجت . ۱۳۸۳
- ۱۵ - ایازی، برهان . آئینه سنج . ناشر: مؤلف . ۱۳۷۱ .
- ۱۶ - طبیبی ، حشمت اله . مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر . چاپ دوم انتشارات دانشگاه تهران . ۱۳۷۴
- ۱۷ - نیکنام ، کورش . از نوروز تا نوروز (فروهر . تهران ۱۳۷۹)
- ۱۸ - رضی ، هاشم . ترجمه و تفسیر وندیداد (فکر روز . تهران ۱۳۷۶)

اختصاصی سایت لک پرس